مناسبت های أمردادماه: جشن أمردادگان هفتم مرداد

محمدی، هاشم

دکتر هاشم محمدی‏ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد گچساران‏ \*ایرانیان باستا عقیده داشتند که اهورمزدا(خدای یگانه)را فرشتگانی در اداره‏ی امور جهان یاری می‏کنند و هر کدام بسته به‏ اهمیتی که وظائف آنان داشت،به دو دسته‏ی«میهن فرشتگان»(یا امشاسپندان)و«کهین فرشتگان»(یا ایزدان)تقسیم می‏شدند و هر کدام وظایف مینوی و مادی را در نگاهبانی آفریدگان نیک اهورمزدا بر عهده داشتند.یکی از امشاسپندان یا مهین فرشتگان آیین زرتشتی‏ که در اوستا به صورت امرتات (Amertat) و در پهلوی امردات‏ (Amurdat) و در فارسی امرداد یا مرداد گفته می‏شود و به معنای‏ جاودانی و بی‏مرگی‏ست،در نوشته‏های اوستایی و پهلوی بیش‏تر با امشاسپندان خرداد با هم آمده و هر دو نمودار کمال و دوام اهورمزدا یاد شده‏اند.

امشاسپندان امرداد در جهان مینوی مظهر جاودانگی و در جهان‏ مادی،نگاهبانی گیاهان را به عهده دارد(زندآکاسیه،42).معنی‏ جاودانگی و بی‏مرگی تجلی دیگری از رستگاری و نامیرایی‏ست که با گیاهان و پژمرده نشدن آن‏ها ارتباط دارد.این امشاسپند مونث است و نماینده‏ی زایش و زندگی.

در بندهشن امرداد امشاسپند است که آفریده شده و گنامینو(اهریمن)دیو زائیریچ را همستار و مخالف او آفریده است و چنین آمده که امرداد بی‏مرگ سرور گیاهان بی‏شمار است،زیرا او را به‏ گیتی گیاه خویش است،گیاهان را او رویاند و رمه‏ی گوسفندان را افزاید،زیرا همه‏ی دام‏ها از او خورند و زیست کنند.

ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه آورده که: امرداد ماه روز هفتم آن‏ مرداد است و آن را عهد می‏گیرند و معنای مرداد آن‏ است که مرگ و نیستی‏ نداشته باشند.امرداد حافظ گیتی و افاقه‏ی‏ لذت‏ها و دواهایی‏ که اصل آن نبات و مزیل جوع و ضرر و امراض هستند، می‏باشد.(ص 289)روز هفتم هر ماه،امرداد نام دارد و مطابق معمول روز هفتم از ماه‏ امرداد این جشن برگزار می‏شده که در ایران عصر ساسانی و پس از آن‏ مراسم باشکوهی در دشت و فضای باز انجام می‏شد.در برهان قاطع‏ این روز را همان جشن نیلوفر گفته که اشتباه است و جشن یاد شده در روز ششم تیر ماه برگزار می‏شده است.

هر کدام از امشاسپندان گل و گیاهی را به خود اختصاص داده که‏ نمودار رشد و سرسبزی و بالندگی آن گیاه مورد نظر می‏باشد،به‏ گفته‏ی«بند هشن بزرگ»گل آذرگون(آذریون)مختص آذر و نیلوفر به آبان و گل همه بهار(همیشه بهار)به اردیبهشت تعلق دارد.گل‏ چمپه Campa یا چمبک از آن امرداد است،سایر امشاسپندان همانند فروردین،خرداد،شهریور،دی،اسفند به ترتیب گل‏های:بوستان افروز، گل سوسن،شاه اسپرم(ریحان)،بادرنگ بوی و فرنجمشک را به خود اختصاص داده‏اند.(جهت آگاهی بیش‏تر و موارد اختلاف به بندهشن بزرگ و زند آکاسیه و اساطیر ایران رجوع فرمایید.)

در ستایش امرداد آمده که:زرتشت پرسید،ای آفریننده‏ی جهان‏ هستی،چه کسی زمین را بیش‏تر شادمان کند؟اهورامزدا گفت:کسی‏ که بیش‏تر کشت کند و بیش‏تر بکارد و گیاهان بیش‏تر برویاند.آب‏ در آورد و زمین بیش‏تر سیراب کند.(سرود هات/29 گات‏ها)

در ادبیات مزدیسنا خرداد و مرداد هر دو پرستار آب و گیاه در جهان‏ خاکی هستند.به بار نشستن درختان و سنبله بستن خوشه‏ها گندم و جو،گشودن آب روان به سینه‏ی خاک و جان گرفتن و نفس تازه کردن‏ دانه‏های گیاهی و برکت و خخجستگی و خوشحالی انسان از رهایی دام‏ اهریمن،به یمن افزونی آب و برکت گیاهان و دانه‏های خوراکی تن از تیرگی‏های جهان مادی می‏شوید و پایکوبان و دست‏افشان به سر چشمه‏ها و کنار رودخانه‏ها و ساحل دریاها می‏رود و شادمانی سر می‏دهد و ستایش اهورامزدا را به جا می‏آورد و روزی را به سبک‏بالی و سرور با هم‏دلان می‏گذراند.

انسان اگر نتوانست عمری جاودان بیابد و بی‏مرگی و جاودانگی را نصیب خود سازد،حدّاقل می‏تواند با این آب پاک پلیدی را از جسم‏ بزداید و در جهان مینوی به پاس حرمت آب و کشت و کار مقامی رفیع‏ و عمری ابدی داشته باشد.

سرسبز آن که چو پاکان باستان‏ آبی به خاک راند و درختی به بار کرد

در آثار ادب فارسی و فرهنگ عامه به این موضوع اشارات فراوانی‏ شده است.

قطران تبریزی می‏گوید:

در هفتم مرداد به فیروزی می خور بگذار به فیروزی سیصد مه مرداد

(فرهنگ جهانگیری،2/1194)

مسعود سعد:

روز مرداد مژده داد بدان‏ که جهان شد به طبع یار جوان

(دیوان،660)\*

منابع

1-اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‏های پهلوی،دکتر رحیم عفیفی،توس‏ 1374.2-اساطیر و فرهنگ عامه،دکتر جابر عناصری،نشر قمری مرند، 1374.3-آثار الباقیه،ابو ریحان بیرونی،ترجمه‏ی اکبر داناسرشت،شرکت‏ انتشارات علم یو فرهنگی.4-بندهشن،دکتر مهرداد بهار،توس،1380.5- گات‏ها(سروده‏های زرتشت)،ابراهیم پور داود،انتشارات اساطیر،1380.

شادباش.3 شماره«حافظ»

احمد لطیفی-تهران‏

دکتر امین و«حافظ»او برقرار باد این سی شماره،سی سند افتخار باد هر یک سند،هزار هزار است افتخار هر صفحه‏اش،هزار هزار اعتبار باد دکتر امین و«حافظ»و تیم قلم‏زنان‏ دور از گزند و حادثه‏ی روزگار باد با خرّمی و دل‏خوشی و شادی و نشاط هر روزشان خجسته چو عید بهار باد دکتر امین چو«کاوه‏ی آهنگر»زمان‏ در پرتو حمایت پروردگار باد آن«آرش»زمانه و آن شیر آریا آن پاسدار مام وطن ماندگار باد حق‏گو حق‏ستای و خوش‏اندیش و خوش‏مرام‏ خیر و دعای خلق بر آن نامدار باد خورشید پر فروغ ادب،حافظ و امین‏ بر رهروان راه شرف آشکار باد میثاق‏شان به حضرت مولی الموحدین(ع) در پیشگاه حضرت حق استوار باد «گل»حافظ است و مام وطن«سبزه»و چمن‏ شاداب«گل»به دامن این«سبزه‏زار»باد «گنج»است حافظ و وطن ما«خزانه»اش‏ «گنج و خزانه»گوهرشان صد هزار باد گنج و خزانه،سبزه و گل،حافظ و امین‏ این نام‏های نیک به دل یادگار باد «مهنامه»نیست حافظ،«فرهنگ نامه»است‏ تبریک ما به«سید»والاتبار باد از«احمد لطیفی»،بس عرض تهنیت‏ بر«پرفسور امین»و به «حافظ»نثار باد چشم و چراغ مردم ایرانی و تو را گل‏واژه‏ی ستایش ما،بی‏شمار باد

ابو مسلم خراسانی

زنده یاد دکتر علی اکبر فیاض‏ ابو مسلم خراسانی یکی از بزرگترین شخصیت‏های تاریخ ایران اسلامی‏ به شمار می‏رود.ابو مسلم را پس از ان که مورد خشم عباسی‏ها قرار گرفت و به دست آن‏ها از پا درآمد،ابو مجرم می‏خواندند و شاعر خلیفه این ابو مجرم را از نسل کردها می‏دانست.از سوی دیگر در تاریخ هویداست که ایرانی‏های‏ آن عصر و حتا اعصار بعدتر هم نسبت به ابو مسلم مهر و علاقه شدیدی‏ داشتند و تا مدت‏ها یاد او را با تجلیل و تعظیم بسیار نگاه‏داری می‏کرده‏اند. بنابراین سخن‏های متضاد و مختلفی که درباره‏ی او هست،ممکن است‏ ساخته‏ی دشمنان یا دوستان باشند و بدین جهت قابل اعتماد نمی‏باشند. به‏هرحال کشف حقیقت از میان این سخنان مختلف خالی از اشکال نیست. گزارش زیر که در کتاب بیوگرافی‏نویس معروف ابن خلکان آمده است، خلاصه‏ی نسبتا جامعی‏ست از آن‏چه درباره‏ی پیشینه‏ی ابو مسلم بیش‏تر قابل قبول و اعتماد است.

«پدرش از دهستان فریدن(در اصفهان)بود و بعضی گفته‏اند از دهکده‏یی‏ بود به نام ماخوان،بر سه فرسنگی مرو و این دهکده(یعنی ماخوان)با چند ده دیگر ملک او بود.او گاهی چارپایان برای فروش به کوفه می‏برد.سپس‏ مالیات دهستان فریدن را مقاطعه کرد،ولی از پرداخت عاجز شد.عامل‏ ناحیه،کس فرستاد که او را به دیوان جلب کند.او در نزد آذین بنداد بن‏ وسیحان(اسم ایرانی‏ست)کنیزکی داشت به نام وشیکه که از کوفه آورده‏ بود و در این هنگام آبستن بود.کنیزک را با خود برگرفت و برای فرار از عامل‏ مالیات،راه آذربایجان را پیش گرفت.در راه به دهستان فائق(ناحیه‏یی که‏ امروز ولایات نامیده می‏شود)گذشت و چند روزی نزد عیسی بن معقل‏ عجلی(گویا عامل مالیات یا از ملاکین محل بوده)اقامت کرد و خوابی دید که حاکی از عظمت مولود آینده بود.پس به آذربایجان رفت و در آن‏جا مرد. نوزاد در خانه‏ی عیسی بزرگ شد و با فرزندان او به مکتب رفت و ادیب و خردمند درآمد،به طوری که هم از کودکی نظرها را به خود جلب کرده بود.

آن‏گاه عیسی عجلی و برادرش ادریس از بابت بقایای مالیات بدهکاری‏ به دیوان پیدا کردند که از حضور در نزد عامل مالیات اصفهان خودداری‏ می‏کردند.عامل به خالد بن عبد اللّه قسری والی عراق خبر داد.خالد از کوفه‏ کس فرستاد تا آن هر دو را به کوفه بردند و به زندان انداختند.عیسی پیش‏ از این گرفتاری،ابو مسلم را به دهستان فائق فرستاده بود که غله‏ی آن‏جا را جمع‏اوری کند.ابو مسلم چون خبر گرفتاری عیسی را شنید،غله‏یی را که‏ جمع کرده بود،فروخت و بهای آن را برداشت و به کوفه نزد عیسی رفت. عیسی او را در خانه‏ی خود در محله‏ی بنی عجل مسکن داد و ابو مسلم به‏ زندان رفت و آمد می‏کرد و از عیسی و ادریس خبرگیری می‏کرد.در این‏ هنگامی گروهی از نقیبان امام عباسی که با جمعی از شیعیان خراسانی به‏ کوفه آمده بودند،به احوال‏پرسی عجلیها به زندان رفتند و آن‏جا به ابو مسلم‏ برخوردند و از خردمندی و معرفت و زبان‏آوری و ادب او متعجب شدند. ابو مسلم نیز به آن‏ها تمایل پیدا کرد و از کار آن‏ها آگاه شد که دعوت گرانند. سپس عجلیها از زندان گریختند و ابو مسلم نیز از محله‏ی عجلی‏ها به نزد این نقیبان منتقل شد و با آن‏ها به مکه رفت و مورد توجه امام واقع شد و نزد امام ماند و در حضر و سفر ملازمت و خدمت می‏کرد تا آن که امام به‏ امارت خراسانش فرستاد».(برگرفته از چشمه‏ی فیاض،صص 84-86)